

Identifying the dimensions and components of the model for improving the capacity to implement renewable energy policies in the vision document ۱۴۰۴

Abstract

The present research, by identifying the effective factors on the improvement of the capacity of implementation of renewable energy policies of the vision document ۱۴۰۴ at the level of analysis of policymaking and policy implementation experts of the Ministry of Energy and relevant organizations from Tawanir, Satba and regional electricity companies were accepted. The current research is of a qualitative type, which was conducted with the fuzzy Delphi method. The statistical population of the research was ۲۱ experts and experts in this field, who were selected by purposeful sampling and a combination of purposeful judgment and snowball sampling, which reached the saturation point. Data analysis was done in three stages with the fuzzy Delphi method, the method of failure mode analysis and the fuzzy Dimetal method, and the findings of the research were the importance of six policy development factors, policy implementers, managerial factors, structural factors, financial factors, and environmental factors and components. those that explain it; shows According to the obtained results, the dimensions of policy development include the five dimensions of transparency of the concept, clarity, dynamism and flexibility, and policy goals; The dimensions of policy implementation include political trust, procedures and fair distribution, political affiliation and participation; The dimensions of management factors include the commitment and experience of executive organizations, policy evaluation in appropriate time frames, the alignment of the government's executive programs; The dimensions of structural factors include appropriate organizational structure, policy implementation infrastructure, policy implementation instructions, appropriate monitoring system; The dimensions of financial factors include financial resources, investment and support in the policy, appropriate implementation tools, and the dimensions of environmental factors include the stability of laws, multiple policies on a single issue, and unforeseen events. Finally, it can be concluded that policies evolve over time through gradual changes or through fundamental and fundamental changes, and adopting a policy is not an end point of the policy process or a definite solution to a fundamental problem.

Keywords

General policy, renewable energy, Delphi method, vision document ۱۴۰۴.

شناسایی ابعاد و مولفه‌های الگوی ارتقاء ظرفیت اجرای خط‌مشی‌های انرژی‌های تجدیدپذیر در**سند چشم‌انداز ۱۴۰۴**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۷

سلمان طالبی پور فرسنگی^۱محمد ضیاءالدینی^۲امیر رجبی بهجت^۳**چکیده**

پژوهش حاضر با شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء ظرفیت اجرای خط‌مشی‌های انرژی‌های تجدیدپذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در سطح تحلیل متخصصان خط‌مشی‌گذاری و اجرای خط‌مشی‌ها وزارت نیرو و سازمان‌های مربوطه از جمله توانیر و ساتبا و شرکت‌های برق منطقه‌ای انجام پذیرفت. پژوهش حاضر از نوع کیفی است که با روش دلفی فازی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، ۲۱ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران این حوزه بودند که به صورت به صورت نمونه‌گیری هدفمند و با ترکیبی از روش هدفدار قضاوتی و نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند که به نقطه اشباع رسیدند. تحلیل اطلاعات طی سه مرحله با روش دلفی فازی، روش تحلیل حالات شکست و دیمتال فازی انجام پذیرفت و یافته‌های پژوهش اهمیت شش عامل تدوین خط‌مشی، مجریان خط‌مشی، عوامل مدیریتی، عوامل ساختاری، عوامل مالی و عوامل محیطی و مؤلفه‌هایی که آن را تبیین می‌کند؛ نشان می‌دهد. با توجه به نتایج به دست آمده، ابعاد تدوین خط‌مشی شامل پنج بعد شفاف بودن مفهوم، روشن بودن، پویایی و انعطاف و اهداف خط‌مشی؛ ابعاد مجریان خط‌مشی شامل اعتماد سیاسی، رویه‌ها و توزیع عادلانه، وابستگی سیاسی و مشارکت؛ ابعاد عوامل مدیریتی شامل تعهد و تجربه سازمان‌های مجری، ارزیابی خط‌مشی در بازه‌های زمانی مناسب، همراستا بودن برنامه‌های اجرایی دولت؛ ابعاد عوامل ساختاری شامل ساختار سازمانی مناسب، زیرساخت‌های اجرایی خط‌مشی، دستورالعمل‌های اجرای برای خط‌مشی، سیستم نظارتی مناسب؛ ابعاد عوامل مالی شامل منابع مالی، سرمایه‌گذاری و پشتیبانی در خط‌مشی، ابزار اجرای مناسب و ابعاد عوامل محیطی شامل ثبات قوانین، تعدد خط‌مشی در مورد موضوعی واحد، رویدادهای پیش‌بینی نشده می‌باشد. در نهایت می‌توان نتیجه‌گیری کرد که خط‌مشی‌ها از طریق تغییرات تدریجی یا از طریق تغییرات اساسی و بنیادی به مرور زمان تکامل می‌یابند و اتخاذ خط‌مشی یک نقطه پایان فرایند خط‌مشی و یا راه حل قطعی یک مشکل اساسی نیست.

کلیدواژه‌ها

خط‌مشی عمومی، انرژی‌های تجدیدپذیر، روش دلفی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴.

^۱دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.^۲استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

فرایند خط مشی گذاری با پدید آمدن یک مشکل یا به طور دقیق تر با مشاهده تفاوت بین شرایط موجود و مطلوب آغاز می شود. بر اساس نظر جونز و ماتس، بیشتر آنچه دولت ها انجام می دهند، نشان دهنده تلاش های آنها برای حل و فصل مسائل متناقض و متضاد جامعه است (گرچی پور ۱۳۹۸). خط مشی گذاری واژه ای است که معمولاً با مفهوم دولت همراه بوده و آن را خط مشی عمومی هم نامیده اند. برخی از صاحب نظران خط مشی گذاری، آن را مجموعه ای از اعمالی می دانند که به منظور دستیابی به هدفی به اجرا درمی آید و برخی دیگر آن را به معنای آنچه به عنوان مقاصد تعمدی سیاست گذاران در عمل به وقوع می پیوندد یا به آنچه دولت ها انتخاب می کنند که انجام دهند یا انجام ندهند، تعریف کرده اند (دای^۱، ۲۰۱۳). اجرای خط مشی مجموعه ای از اقدامات است که به وسیله افراد و یا گروههای شاغل در بخش خصوصی و یا عمومی برای تحقق تصمیمات خط مشی اعمال می شود. این اقدامات هم در برگیرنده تلاشهای مقطعی برای عملیاتی کردن تصمیمات خط مشی و هم تلاشهای مستمر برای اعمال تغییرات لازم بر اساس تصمیمات خط مشی است. (عباسی و بیگی، ۱۳۹۵)

همانگونه که از تعاریف فوق بر می آید بخشی از موفقیت در اجرای خط مشی ها به ظرفیت اجرای خط مشی بر می گردد. گودمن و همکاران (۱۹۹۸) ظرفیت را به عنوان توانایی انجام دادن، تعریف کرده اند. قطعاً عدم توانایی در اجرای خط مشی می تواند زمینه شکست خط مشی را فراهم آورد. در این خصوص می توان گفت اجرای خط مشی ها از دو حالت خارج نیست؛ گاه اجرای موفق خط مشی حاصل می شود و گاه با شکست در اجرای خط مشی مواجه می شویم. شکست در اجرای خط مشی می تواند در نتیجه ی عدم اجرا یا عدم موفقیت در اجرا باشد. عدم اجرا به معنی آن است که خط مشی اجرا نمی شود و از دلایل اصلی آن نادیده گرفته شدن عدم قابلیت اجرای خط مشی در مرحله ی خط مشی گذاری است. عدم موفقیت در اجرا نیز حالتی است که سیاست و خط مشی، شرایط کامل برای انجام و اجرا را ندارد و خط مشی نمی تواند به نتایج پیش بینی شده دست یابد. خط مشی اجرا می شود ولی تحقق هدف صورت نمی پذیرد. امروزه، ارائه الگویی خاص برای خط مشی گذاری که قادر باشد در شرایط متغیر و متحول، پاسخ گو و کارساز باشد، عملی نیست. در چنین موقعیتی باید به دنبال الگوهایی بود که در مقابل شرایط متغیر امروز بتوانند از طریق تلفیق و ترکیب و با انعطاف پذیری کافی، به نیازهای جامعه پاسخی مناسب بدهند. (صفری دشتکی و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین مطالعات اندکی در زمینه ارائه مدل های اجرای خط مشی های حوزه انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ صورت گرفته است. مهمترین شکاف تحقیقاتی که با مرور خط مشی های حوزه انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ مشاهده می شود آن است که در این مطالعات، نقش آفرینی نحوه اجرای خط مشی ها به عنوان یکی از ابزارهای مهم مطرح نشده و مورد بررسی قرار نگرفته است. همین عوامل موجب شد به دلیل غالب شدن مفهوم خط مشی گذاری به عنوان پارادایم هزاره، این مفهوم بیشتر مورد توجه همگانی قرار گرفته و دولت، تدوین و اجرای خط مشی را به عنوان پیش نیاز وزارت نیرو در حوزه انرژی های تجدید پذیر پذیرفته و در دستور کار قرار دهد. بدین سان دولت ها در انواع بخش ها علاقمند شدند تا با تدوین و اجرای خط مشی و تغییر رویکرد و راهبردها و بازنگری فرآیندها و فرآوردها و زنجیره ارزش، آمادگی خود را برای حضور موفق و موثر در شرایط جدید بهبود بخشند. ضرورت و اهمیت این پژوهش از دو بعد قابل بررسی است، از نظر عملی، بررسی خط مشی های حوزه انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ و

شناسایی مشکلات و دلایل عدم تحقق اهداف؛ می تواند راهگشای حرکت به سمت تحقق اهداف سند چشم انداز باشد. از لحاظ نظری، انجام این تحقیق می تواند خلاء مطالعاتی موجود در خصوص ارتقای ظرفیت اجرای خط مشی های حوزه انرژی های تجدید پذیر را تا حدود زیادی پوشش دهد و بر غنای نظری این مبحث در کشور کمک نماید.

ادبیات نظری پژوهش

مفهوم خط مشی و خط مشی عمومی

خط‌مشی‌ها تصمیمات و سیاست‌هایی‌اند که به وسیله مراجع مختلف بخش عمومی مثل مجلس، دولت و قوه قضائیه که نماینده منافع عمومی هستند، اتخاذ می‌شود (الوانی و شریف زاده، ۱۳۹۵). خط‌مشی‌گذاری مجموعه‌ای از اقدامات هدفمندی است که توسط بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با مشکل یا موضوعی خاص دنبال می‌شود. همچنین خط‌مشی‌گذاری واژه‌ای است که معمولاً با مفهوم دولت همراه بوده و آن را خط‌مشی عمومی هم نامیده‌اند. برخی از صاحب‌نظران خط‌مشی‌گذاری، آن را مجموعه‌ای از اعمالی می‌دانند که به منظور دستیابی به هدفی به اجرا درمی‌آید و برخی دیگر آن را به معنای آنچه به عنوان مقاصد تعمدی سیاست‌گذاران در عمل به وقوع می‌پیوندد یا به آنچه دولت‌ها انتخاب می‌کنند که انجام دهند یا انجام ندهند، تعریف کرده‌اند (دای، ۲۰۱۳). فرایندهای قانون‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری عمومی که بر پایه یکپارچگی، مشارکت و شفافیت بنا شده‌اند برای طراحی و اجرای خط‌مشی‌های موثر و در نتیجه حفظ اعتماد شهروندان به حکومت، امری ضروری و حیاتی به شمار می‌رود. خط‌مشی‌های عمومی، نه تنها به دنبال منافع عمومی باشند، بلکه باید در عمل، موجودیت و نگرانی‌های گروه‌های مشروع با منافع رقابتی متفاوت و همچنین مشارکت واضح آنان در نفوذ بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی را تأیید و تأمین کنند. در فرایند خط‌مشی‌گذاری موقعیت «برد - برد» به ندرت رخ می‌دهد؛ زیرا معمولاً گروهی ممکن است از خط‌مشی‌ها منفعت کسب کنند (گروه برنده) و گروهی دیگر متضرر شوند (گروه بازنده) (اینز، ۲۰۱۴). وجود مسائل بسیار پیچیده که روز به روز نیز بر پیچیدگی آنها افزوده می‌شود، باعث شده خط‌مشی‌گذاری به اقدامی بسیار چالش‌برانگیز تبدیل شود. میزان بالای مشارکت گروه‌های ذی‌نفع در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خط‌مشی‌های خاص، باعث ایجاد انگیزه و فرصت برای نفوذ و حتی دستکاری تصمیم‌ها می‌شود. در نتیجه، گاهی دستاوردهای کوتاه مدت گروهی خاص، می‌تواند منافع بلندمدتی را که به سود کل جامعه است نادیده بگیرد. فرایندهای شفاف، فراگیر و مشورتی خط‌مشی‌گذاری، اغلب با در نظر گرفتن مقداری غرامت برای گروه زیان‌دیده (بازنده خط‌مشی)، به جوامع اجازه می‌دهند تا درباره خط‌مشی به توافق و اجماع کلی دست یابند. نزدیکی به تصمیم‌گیرندگان عمومی می‌تواند برای گروه‌های ذی‌نفع دارایی ارزشمندی محسوب شود (کارپنتر و ماس، ۲۰۱۴).

الگوهای خط‌مشی‌گذاری عمومی

تصمیم‌گیرندگان در فرایند خط‌مشی‌گذاری، کوشش می‌کنند با استفاده از الگوهای مختلف به راه حل مطلوب دست یابند و آن را به سادگی مورد آزمون قرار دهند. الگوهای خط‌مشی‌گذاری تقریباً در تمامی منابع (داخلی و

۱. Dye

۲ Innes

۳ Carpenter & Moss

خارجی) به صورت مشابه ذکر شده است؛ مثلاً هاوالت و همکارانش (۲۰۰۹) به طور کلی الگو را به چند دسته شامل الگوهای عقلایی، تدریجی، سطل زباله و غیره تقسیم بندی می کنند (هاوالت و همکاران، ۲۰۰۹). در جدول زیر به طور خلاصه ویژگی برخی از الگوها مشاهده می شود

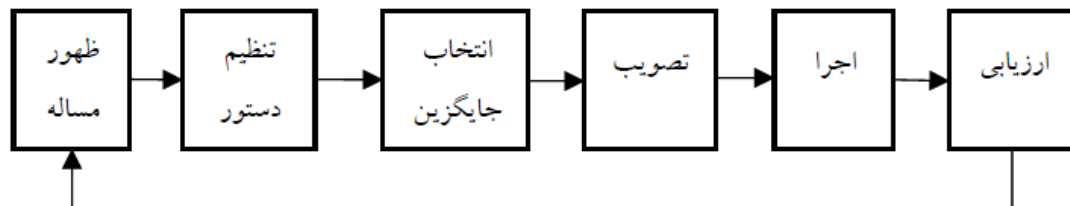
جدول ۱. مقایسه الگوهای خطمشی گذاری (هاوالت و همکاران، ۲۰۰۹)

الگوی اجتماعی	الگوی تدریجی	الگوی عقلایی	الگوی بحرانی	الگو محور مقایسه
عوامل متعدد	عوامل با نفوذ	خبیرگان	دیوان سالاران / مدیران	طراح
کوتاه و بلندمدت	کوتاه مدت	بلندمدت	فوری	اهداف
مسئولیت مشترک	توافق سیاسی	دانش فنی	اختیار رسمی	منابع قدرت
علمی و هنری	هنری	علمی	نه هنری، نه علمی	دیدگاه

الوانی و شریفزاده الگوها را در قالب استعاره خطمشی بیان می کنند: خطمشی گذاری به مثابه بازده نهادی (الگوی نهادی)، خطمشی گذاری به مثابه فعالیت سیاسی (الگوی فرایندی)، خطمشی گذاری به مثابه کسب حداکثر منافع اجتماعی (الگوی عقلایی)، خطمشی گذاری به عنوان انتخابی عقلایی در وضعیت رقابتی (الگوی نظریه بازی‌ها) (الوانی و شریفزاده، ۱۳۹۳). توماس دای در کتاب «درک سیاست گذاری عمومی»، الگوهای خطمشی گذاری عمومی را از دید الگوهایی همچون نهاد گرایی، فرایندی، تغییرات تدریجی، گروهی، نخبگان و نظریه بازی‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است (غفاری و همکاران، ۱۳۹۵).

فرایند خطمشی

برخلاف تعدد در تعریف خطمشی، فرایند مربوط به آن از اجماع نسبی بین صاحب‌نظران برخوردار است؛ به گونه‌ای که برای فرایند خطمشی، مراحل شش گانه‌ای را مورد تأکید قرار می‌دهند. این مراحل مورد اتفاق صاحب‌نظران عرصه فرایند خطمشی‌گذاری محسوب می‌شود. این اتفاق نظر تا جایی است که بیرکلند نیز که نگاه سیستمی به فرایند خطمشی‌گذاری دارد و به نوبه خود دیدگاه بسیار متمایزی را مطرح می‌کند، در تبیین مراحل فرایند خطمشی‌گذاری، همان سیر متداولی را مطرح می‌کند که سایر صاحب‌نظران بر آن اتفاق داشته‌اند (بیرکلند، ۲۰۱۵). کلیات فرایند خطمشی‌گذاری در شکل ۱، به نمایش درآمده است.



شکل ۱. مراحل فرایند خطمشی‌گذاری (بیرکلند، ۲۰۱۵)

گام‌های شش گانه فوق دارای مفاهیمی هستند که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

مرحله اول: شناخت، درک و بیان مسأله؛ به عنوان اولین مرحله از مراحل خطمشی‌گذاری، عوامل متعددی ممکن است در معرفی و ارائه مسأله تحت عنوان مشکل عمومی نقش داشته باشند (بیرکلند، ۲۰۱۵).
مرحله دوم: ارجاع و طرح مسأله در سازمان‌های عمومی؛ بعد از ضرورت طرح مسأله به عنوان یک «مشکل عمومی نیازمند بررسی» در جامعه این مشکل عمومی برای بررسی به سازمان‌های عمومی مربوطه ارجاع می‌شود (بیرکلند، ۲۰۱۵).

مرحله سوم: شکل‌گیری، تهیه و تدوین خطمشی؛ در این مرحله نیاز به رفع مشکل احساس شده و با استفاده از یکی از ابزارها و روش‌های تهیه و تدوین خطمشی، راه حل مناسب بررسی می‌شود (بیرکلند، ۲۰۱۵).
مرحله چهارم: قانونی کردن و مشروعیت بخشیدن به خطمشی؛ بعد از اینکه راه حل و بدیل اصلح و مطلوب شناسایی و انتخاب شد و اعتقاد حاصل شد که این راه‌حل پاسخ مناسبی برای مسأله مورد نظر می‌باشد، در جهت قانونی کردن آن و اخذ مجوز اجرا برای آن تلاش می‌کنند (بیرکلند، ۲۰۱۵).

مرحله پنجم: ابلاغ و اجرای خطمشی عمومی؛ بعد از اینکه خطمشی اتخاذ شد و مراحل لازم برای قانونی شدن را طی کرد و برای اجرا مجاز شناخته شد، توسط مراجع ذی‌صلاح به واحد سازمانی مربوط برای اجرا، ابلاغ می‌شود (بیرکلند، ۲۰۱۵).

مرحله ششم: ارزیابی خطمشی اجراء شده و کسب اطلاعات از بازتاب عملیات اجرا شده؛ واضح است که فرایند خطمشی‌گذاری با اجرا به پایان نمی‌رسد و لازم است که مرحله آخر یعنی ارزیابی اقدامات انجام شده در جهت پاسخگویی به مشکل عمومی باید به دقت اجرا شود (بیرکلند، ۲۰۱۵).

اجرای خطمشی عمومی و بیگانگی مجریان

یکی از مراحل عمده فرایند خطمشی‌گذاری عمومی، مرحله اجرا می‌باشد که در آن خطمشی عمومی تدوین شده، در عرصه عمل پیاده سازی می‌شود (حاجی پور و همکاران، ۱۳۹۴). موضوع بحث برانگیز کلیدی برای مطالعات اجرا این است که چگونه یک خطمشی کار می‌کند، یا به بیان صحیح‌تر (با توجه به سوگیری غالباً شکست آمیز

بودن مطالعات خط‌مشی)، چگونه یک خط‌مشی کار نمی‌کند (اسمیت و لارمیر^۱، ۲۰۰۹). هنگامی که کارکنان بخش دولتی نتوانند با یک خط‌مشی هویت‌یابی کنند، این امر می‌تواند پیامدهای شدیدی داشته باشد. عدم هویت‌یابی کارکنان با خط‌مشی، تأثیر منفی بر اثر بخشی آن خواهد داشت، چرا که کارکنان بخش دولتی، این خط‌مشی را اجرا نمی‌کنند یا حتی سعی می‌کنند در اجرای آن کار شکنی کنند. بیگانگی از خط‌مشی زیاد، می‌تواند منجر به کاهش تمایل مجریان به تغییر (تامرز، ۲۰۱۳) یا کاهش تعهد آنان (وان دی ووت^۲، ۲۰۱۷) و حتی مقاومت آشکار و نقض مقررات خط‌مشی‌ها از جانب آن‌ها (تاکنز^۳ و همکاران، ۲۰۱۳) شود. به طور کلی تر، تمان^۴ (۲۰۱۵) نشان داد که بیگانگی از خط‌مشی می‌تواند به کاهش عملکرد خط‌مشی منتج شود. وان ایگن^۵ و همکاران، مفهوم بیگانگی از عمومی خط‌مشی را مطالعه کردند. آن‌ها به جای بیگانگی از یک خط‌مشی خاص، مفهوم بیگانگی از عمومی از خط‌مشی‌ها مطرح کردند که می‌تواند برای مطالعه مشکلات هویت‌یابی با مجموعه‌ای از خط‌مشی‌های دولتی، استفاده شود. با توجه به در هم تنیدگی خط‌مشی‌های مالیاتی، در این پژوهش نیز بیگانگی مجریان از مجموعه‌ای از خط‌مشی‌های مالیاتی مد نظر بوده است، نه یک خط‌مشی خاص. در این پژوهش، اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم، قانون مالیات بر ارزش افزوده و طرح چامع مالیاتی که اخیراً در دستور کار اجرای سازمان امور مالیاتی قرار گرفته است، به عنوان خط‌مشی‌های مالیاتی در نظر گرفته شده است که در حال حاضر مجریان مالیاتی در حال اجرای آن‌ها هستند و ادراکات و باورهای مشخصی در مورد آن‌ها دارند (گل وردی و همکاران، ۱۳۹۷).

پژوهش‌های انجام شده

حسین پور و همکارانش (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان "تدوین الگوی نظارت بر خط‌مشی‌های عمومی مصوب مجلس شورای اسلامی با تأکید بر حوزه امور اقتصادی" انجام داده‌اند. هدف اصلی این تحقیق بررسی موانع تحقق قوانین نظارتی مصوب مجلس شورای اسلامی و ارائه الگوی جامع نظارت بر خط‌مشی‌های عمومی است. براساس نتایج، توجه به راهبردهای اصلی نظام مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام زیر نظر مقام معظم رهبری، توجه به تطبیق خط‌مشی‌های عمومی مصوب مجلس شورای اسلامی در حوزه امور اقتصادی با برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. همچنین ایجاد هماهنگی و وحدت میان نظرها و سیاست‌های دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی با حفظ استقلال هریک، باید در دسته عناصر اصلی نظام نظارت بر حُسن اجرای خط‌مشی‌های عمومی مصوب مجلس شورای اسلامی باشند.

رنگریز و همکارانش (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان "بررسی موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی با استفاده از روش فراترکیب" انجام داده‌اند. هدف تحقیق حاضر ارائه الگوی موانع اجرای خط‌مشی در سازمان‌های دولتی با استفاده از روش فراترکیب است. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که موانع مربوط به تدوین خط‌مشی (۶ مؤلفه)، مجریان خط‌مشی (۴ مؤلفه)، مدیریتی (۶ مؤلفه)، ساختاری (۸ مؤلفه)، منابع مالی، اطلاعاتی و فناورانه (۴ مؤلفه) و محیطی (۷ مؤلفه) از مهمترین موانع اجرای خط‌مشی در سازمان‌های دولتی ایران محسوب می‌شوند. شاخص‌های تعامل نامناسب اداره و اجرا، فقدان مبنای تئوریک مناسب برای خط‌مشی، فناوری اطلاعات ضعیف، ویژگی شخصی مجریان، ابزار اجرای نامناسب، سیستم نظارتی نامناسب، هماهنگی ناکافی در اجرا به ترتیب بیشترین ضریب اهمیت را دارند.

۱. Smith & Larimer

۲. Van der Voet

۳. Tonkens

۴. Thomann

۵. Van Engen

دانایی فر و همکارانش (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان "چگونگی ارزشیابی کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران: پژوهشی اکتشافی مبتنی بر روش شناسی ترکیبی" انجام داده‌اند. نتایج حاصل مبین آن است که بر اساس فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، مهم‌ترین مراحل تاثیرگذار در کیفیت خط‌مشی‌های عمومی مرحله تدوین خط‌مشی عمومی و مرحله مشروعیت بخشی به خط‌مشی عمومی هستند.

رجائی و همکاران در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای به شکل‌گیری خط‌مشی در حوزه سلامت نظام اداری در ایران پرداختند. هدف این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری خط‌مشی عمومی در حوزه سلامت نظام اداری می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهمترین مؤلفه‌های خط‌مشی‌گذاری موفقیت آمیز سلامت نظام اداری زیر ساخت‌ها و ظرفیت گروه‌های دخیل در خط‌مشی‌گذاری می‌باشد. همچنین ۳۳ مؤلفه پژوهش مورد تائید نهایی پندل دلفی قرار گرفت.

ولتیتا^۱ و همکارانش (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان "مطالعه تولید بدیل‌ها در فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری عمومی" انجام داده‌اند. طراحی بدیل‌ها بخشی حیاتی از تصمیم‌گیری است که در مقایسه با ارزیابی بدیل‌ها هم در عمل و هم در نظریه کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. این موضوع علی‌الخصوص در بستر خط‌مشی‌گذاری عمومی معنا پیدا می‌کند که طی آن طراحی سیاست یک گام اساسی از چرخه خط‌مشی است، چراکه کیفیت خط‌مشی‌های بدیل مورد نظر را تعیین می‌کند. مقاله حاضر تلاش دارد فرآیند تصمیم‌یاری را در قالب دو مداخله واقعی که با تولید بدیل برای خط‌مشی‌گذاری سرزمینی در ایتالیا سروکار دارند فرمول‌بندی کند. هدف این مقاله درک این موضوع است که چه چیزی در فاز طراحی بدیل‌های یک فرآیند تصمیم‌یار باعث تولید بدعت می‌شود؟ یعنی چه چیزی باعث گسترش فضای راهکار و کشف بدیل‌های جدید برای حل مسأله مورد نظر می‌شود. این مقاله روش‌هایی را نشان می‌دهد که از طریق آن‌ها می‌توان خلاقیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری را بوسیله ابزار تصمیم‌یار چند معیاره/تحقیق عملیاتی فراهم کرد. دو مطالعه موردی برای پاسخ به سؤالات زیر استفاده شده است: الف) چرا در طول فرآیند خط‌مشی‌گذاری بدیل‌های جدید مطرح می‌شوند؟ ب) این بدیل‌ها چگونه بوجود آمده‌اند؟ ج) این بدیل‌ها چه پیامدهایی داشته‌اند؟ د) در این فرآیند چه چیزی به خلق بدعت و تازگی منجر شده است؟ نتایج نشان از دو دلیل اصلی دارند که می‌توانند فضای راهکار در فرآیند تصمیم‌یار را بسط دهند: ۱) نارضایتی (مشتریان، تحلیلگر یا ذی‌نفعان مربوطه، بخصوص هنگام تعامل خط‌مشی‌های عمومی) از راهکارهایی که درحال حاضر برای مسأله تصمیم‌گیری مطرح شده‌اند و ۲) فرصت برای تغییر در یکی از متغیرها یا محدودیت‌ها.

پارک^۲ (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان "اصلاحات دولت کره در مدیریت و تغییر خط‌مشی‌گذاری عمومی" انجام داده است. هدف این مقاله بررسی مسیر تاریخی و جهت‌گیری آتی برنامه اصلاحات دولت کره نسبت به اصلاحات مدیریت و خط‌مشی‌گذاری عمومی است. اصلاحات خط‌مشی‌گذاری عمومی در برخی از دوره‌ها در کره یا بسیار کند بوده و یا دچار پسروی بوده است. مداخله دولت در بازار باید کاهش پیدا کند درحالی‌که نقش آن در کیفیت زندگی مردم یا رفاه اجتماعی باید گسترش پیدا کند. رییس‌جمهور باید یک سازمان اصلاحات ایجاد کند تا پارادایم جدیدی از نقش دولت طراحی کند.

کافمن (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان "همکاری دانشگاه-اجتماع برای تغییر خط‌مشی عمومی: پیش شرط‌ها و فرآیندها" انجام داده‌اند. برای اینکه سیستم آموزش عالی به کمک اجتماع بیاید، پیش شرط‌های لازم باید وجود

^۱ Valentina

^۲ Park

داشته باشد: آیا اعضای هیئت علمی متعهد به ترویج تغییرات اجتماعی هستند؟ آیا محیط سازمانی و اجتماعی فعالیت‌های مورد حمایت دانشگاه را برای چنین اهدافی مشروع می‌دانند؟ آیا اعضای هیات علمی قادر به ایفای نقش مؤثر در جامعه هستند و استراتژی‌هایی برای نفوذ سیاسی اتخاذ می‌کنند؟ آیا مکانیزم‌های سازمانی، چارچوب‌های عملی و ارتباطات اجتماعی وجود دارد که همکاری را با هدف تغییر اجتماعی توانمند سازند؟ این بحث موردی جهت ارزیابی پیش شرط‌های لازم برای اقدام و فرآیندهای دخیل در تسهیل همکاری دانشگاه و جامعه برای ترویج تغییر سیاست، از چارچوب تحلیلی توسعه یافته توسط تیلور استفاده می‌کند.

سوالات پژوهش

سوال اصلی پژوهش

مدل ارتقای ظرفیت اجرای خط مشی های حوزه انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ چگونه است ؟

سوال های فرعی پژوهش

- ۱- عوامل و مولفه های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ چیست ؟
- ۲- ریسک ها مربوط به اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ چیست ؟
- ۳- میزان احتمال، شدت و ضریب کشف و تعیین نمره مربوط به ریسک ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ چگونه است ؟
- ۴- میزان ارجعیت و روابط علت و معلولی عوامل و مولفه های ارتقاء ظرفیت اجرای خط‌مشی‌های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ چگونه است ؟
- ۵- اعتبار مدل ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در صنعت نیرو تا چه حد می باشد ؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی؛ به این مفهوم که از داده های کیفی به منظور توسعه و بومی سازی شاخص های مدل مفهومی تحقیق استفاده شده است، از طرفی دیگر چون از آنجا که مدلی در رابطه با ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ در ایران ارائه نشده است، پس از طراحی مدل مفهومی تحقیق بر اساس مبانی نظری موجود، به منظور بومی سازی و تعدیل شاخص های مدل از رویکرد کیفی و اکتشافی استفاده شده است تا با استفاده از نظر خبرگان نسبت به نهایی کردن مدل مفهومی اقدام گردد. بنابراین، روش اجرای آن از طریق سه روش دلفی فازی، روش تحلیل حالات شکست و دیمتل فازی است. با استفاده از روش دلفی فازی به شناسایی عوامل و مولفه های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز می پردازیم و سپس در این پژوهش با رویکردی کیفی و تجویزی و با استفاده از تکنیک تجزیه و تحلیل حالات شکست و آثار آن و تحلیل در محیط فازی، به تدوین مدل ظرفیت اجرای خط مشی می پردازیم. هدف اصلی تحلیل حالات شکست و آثار آن کشف و تعیین میزان احتمال، شدت و ضریب کشف و تعیین نمره ریسک از طریق خبرگان اقدام می شود حالات بالقوه شکست که حاصل ضرب سه مفهوم احتمال رخداد شکست، شدت شکست و قابلیت کشف شکست است. این سه فاکتور به وسیله خبرگان براساس مقیاس خاص برآورد می شوند.

نمونه آماری درحوزه کیفی متخصصان خط مشی گذاری و اجرای خط مشی ها وزارت نیرو و سازمانهای مربوطه از جمله توانیر و ساتبا و شرکت های برق منطقه ای می باشد که هم در وزارتخانه نیرو و همچنین به عوامل و مولفه های موثر بر ارتقای اجرای خط مشی گذاری اشراف دارند که به صورت هدفمند انتخاب شده است که تعداد نمونه با توجه به اشباع تئوریک در حین انجام مصاحبه ها و تحلیل آن مشخص می گردد. بنابراین در پانل خبرگان ۲۱ نفر نهایتاً انتخاب شده است. برای سنجش و اندازه گیری در بخش کیفی از پرسشنامه دلفی فازی استفاده شده است. در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب هماهنگی کندال^۱ استفاده شده است. «اشمیت» برای تصمیم گیری درباره توقف یا ادامه دوره های دلفی دو معیار آماری ارائه می کند. اولین معیار، اتفاق نظری قوی میان اعضای پانل است که براساس مقدار ضریب هماهنگی کندال تعیین می شود. دوم، ثابت ماندن ضریب انحراف معیار یا رشد ناچیز آن در دو دور متوالی است که نشان می دهد افزایشی در توافق اعضا صورت نگرفته است و فرایند نظرخواهی باید متوقف شود (Schmidt, ۱۹۹۷).

برای گردآوری داده های مورد نیاز پژوهش از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته و پرسشنامه استفاده شده است: در مرحله اول: مصاحبه نیمه ساختار یافته و پرسشنامه دلفی فازی برای تعیین میزان موافقت هریک از متخصصان با مقوله مورد نظر با استفاده از طیف لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم) انجام شد. در مرحله دوم: مصاحبه و پرسشنامه های مربوط به روش تحلیل حالات شکست؛ در مرحله سوم: پرسشنامه های مربوط به تکنیک های تصمیم گیری چند معیاره و در مرحله چهارم: پرسشنامه مربوط به جهت تعیین میزان روابط بین متغیرهای تشکیل دهنده مدل می باشد.

جهت تجزیه و تحلیل داده ها، الگوریتم اجرایی این پژوهش با هدف طراحی مدل ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ می باشد. از این رو ابتدا جهت شناسایی عوامل و مولفه های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز در گام نخست، دیدگاه خبرگان حوزه ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ در وزارتخانه ها به شناسایی و غربال شاخص ها با استفاده از روش دلفی فازی پرداخته شده است و جهت تعیین میزان احتمال، شدت و ضریب کشف و تعیین نمره عوامل از روش حالات شکست در گام بعدی الگوی روابط ارجحیت متغیرها و روابط علی و معلولی میان متغیرهای اصلی با استفاده از تکنیک دیمتل فازی بررسی می شود.

مراحل دلفی فازی: در این پژوهش، ابتدا موضوع طراحی مدلی برای ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴، ابعاد و مولفه های آن مطالعه و با مرور ادبیات، استخراج شده است. بر اساس تعریف موضوع، اعضای پانل دلفی در دو مرحله و با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند شناسایی و انتخاب شدند. همزمان با شناسایی و تعیین اعضای پانل و ملاقات اولیه با تعدادی از آنان و توضیح مطالب استخراج شده از ادبیات و نیز با کمک اساتید محترم فهرستی از ابعاد و مولفه های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ احصاء گردید. پس از تعیین اعضای پانل دو دور روش دلفی فازی انجام و پرسشنامه های هر دور به روش حضوری و به شیوه الکترونیکی توزیع و جمع آوری شد. اعضای پانل، با روش مطالعات کتابخانه ای که شامل بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش بود به استخراج ابعاد و مولفه های

۱. مقدار ضریب هماهنگی کندال (Kendall's coefficient of concordance) هنگام هماهنگی یا موافقت کامل برابر با یک و در زمان نبود کامل هماهنگی برابر با صفر است.

ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ پرداخته اند. در مجموع ابعاد و مولفه ها تعیین شدند اهمیت هر مرحله را با میانگین بالای عدد ۴ تشخیص دادند که دارای تأثیر زیاد و خیلی زیاد تشخیص دادند. همچنین، پاسخ دهندگان ابعاد و مولفه های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ طرح کردند. از آنجا که ابعاد و مولفه های مذکور به نوعی با ابعاد و مولفه های ارائه شده در پژوهشهای پیشین یکسان بودند، حذف شده و در مواردی با عوامل موجود ترکیب یا جایگزین شدند. در دور دوم، اعضای پانل مجدداً نظر خود را درباره ابعاد و مولفه های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ و نیز میزان تأثیر و اهمیت هر یک از ابعاد و مولفه ها را اعلام کردند. در پژوهش حاضر، روش دلفی فازی در مجموع در دو دور به انجام رسید. میانگین پاسخهای اعضای پانل در دور اول درباره میزان اهمیت ابعاد محاسبه شد. همچنین، مقدار فازی زدایی برای سنجش میزان اتفاق نظر خبرگان در دور اول برای ابعاد و مولفه های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ زیر ۰.۷ به دست آمد. مقدار فازی زدایی نیز میزان توافق و اجماع خبرگان در دور دوم برای عوامل و مولفه های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدید پذیر سند چشم انداز ۱۴۰۴ بالای ۰.۷ بدست آمده است که نشان می دهد هماهنگی بین دیدگاهها وجود دارد.

روش تحلیل حالات شکست: این روش، ریسک وقوع خطرات بالقوه در طول مراحل طراحی و اجرا را برای جلوگیری از دریافت محصول یا پروژه نامطلوب توسط مشتری و جلوگیری از به خطر افتادن اعتبار و شهرت شرکت محاسبه نموده و از آن طریق، اقدامات اصلاحی را توصیه می نماید. از آن جاییکه یکی از اهداف این روش انتخاب اقدامات اصلاحی مناسب برای کاهش ریسک می باشد، لذا گزینه هایی که ریسک بالاتری دارند، از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند. بنابراین همواره یک عدد تحت عنوان عدد ریسک پذیری مطرح خواهد بود که از حاصلضرب سه پارامتر شدت خطا (S)، احتمال وقوع خطا (O) و احتمال کشف خطا (D) به دست می آید

$$= S \cdot O \cdot D$$

اولویت پذیرش خطریا پذیری عدد ریسک در نهایت با اولویت بندی علل بالقوه بر اساس عدد اولویت ریسک پذیری، اقدامات اصلاحی تعریف شده و منابع محدود در پروژه به خطاها با ریسک بالا تخصیص داده می شود.

الگوریتم دیمتل فازی: لین و وو (۲۰۰۸) گام های زیر را برای انجام روش دیمتل فازی ارائه دادند.

گام اول: تشکیل گروه خبرگان به منظور جمع آوری دانش گروهی آنها برای حل مسئله
گام دوم: تعیین معیارهای مورد ارزیابی و همچنین طراحی مقیاس های زبانی: در این گام با استفاده از نظرات خبرگان عوامل و شاخصهای پژوهش شناسایی می شوند.
گام سوم: ایجاد ماتریس فازی ارتباط مستقیم اولیه با جمع آوری نظرات خبرگان.
گام چهارم: نرمال سازی ماتریس فازی ارتباط مستقیم.
گام پنجم: محاسبه ماتریس فازی ارتباط کل.
گام ششم: ایجاد و تجزیه و تحلیل نمودار علی.

تجزیه و تحلیل داده های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده ها مبتنی بر روش دلفی فازی

❖ دور اول

در این دور، اعضای پانل، با روش مطالعات کتابخانه‌ای که شامل بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش بود به استخراج عوامل و مولفه‌های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی‌های انرژی‌های تجدید پذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ پرداخته‌اند. در مجموع عوامل و مولفه‌ها تعیین شدند اهمیت هر مرحله را با میانگین بالای عدد ۴ تشخیص دادند که دارای تأثیر زیاد و خیلی زیاد تشخیص دادند. همچنین، پاسخ دهندگان در عوامل و مولفه‌های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی‌های انرژی‌های تجدید پذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ طرح کردند. از آنجا که عوامل و مولفه‌های مذکور به نوعی با عوامل و مولفه‌های ارائه شده در پژوهش‌های پیشین یکسان بودند، حذف شده و در مواردی با عوامل موجود ترکیب یا جایگزین شدند.

❖ دور دوم

در دور دوم، اعضای پانل مجدداً نظر خود را درباره عوامل و مولفه‌های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی‌های انرژی‌های تجدید پذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و نیز میزان تأثیر و اهمیت هر یک از عوامل و مولفه‌ها را اعلام کردند. در پژوهش حاضر، روش دلفی فازی در مجموع در دو دور به انجام رسید. میانگین پاسخ‌های اعضای پانل در دور اول درباره میزان اهمیت عوامل محاسبه شد. همچنین، مقدار فازی زدایی برای سنجش میزان اتفاق نظر خبرگان در دور اول برای عوامل و مولفه‌های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی‌های انرژی‌های تجدید پذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ زیر ۰.۷ به دست آمد. مقدار فازی زدایی نیز میزان توافق و اجماع خبرگان در دور دوم برای عوامل و مولفه‌های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی‌های انرژی‌های تجدید پذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بالای ۰.۷ بدست آمده است که نشان می‌دهد هماهنگی بین دیدگاه‌ها وجود دارد. تجزیه و تحلیل‌های توصیفی و نتایج کلی حاصل از گردآوری داده‌های مربوط به نظرات پانل دلفی فازی در جدول زیر به صورت اجمالی ارائه می‌شود.

جدول ۲- فازی زدایی دور دوم فازی

ردیف	گروه	زیرگروه	مولفه‌های پیشنهادی	فازی زدایی
۱	مولفه‌های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی‌های انرژی‌های تجدید پذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴	تدوین خط‌مشی	شفاف بودن مفهوم خط‌مشی	۰.۷۲۲
۲			روشن بودن مفهوم خط‌مشی	۰.۷۷۴
۳			پویایی و انعطاف خط‌مشی	۰.۷۲۲
۴			اهداف خط‌مشی	۰.۷۴۶
۵	تدوین خط‌مشی	مجریان خط‌مشی	اعتماد سیاسی	۰.۷۸۶
۶			رویه‌ها و توزیع عادلانه	۰.۷۲۲
۷			وابستگی سیاسی	۰.۷۲۲
۸			مشارکت	۰.۷۲۲
۹	تدوین خط‌مشی	هدایتی	تعهد و تجربه سازمان‌های مجری	۰.۷۴۶
۱۰			ارزیابی خط‌مشی در بازه‌های زمانی مناسب	۰.۷۸۶

۰.۷۵۴	همراستا بودن برنامه‌های اجرایی دولت		۱۱
۰.۷۵۴	ساختار سازمانی مناسب	ساختاری	۱۲
۰.۷۵۴	زیرساخت‌های اجرایی خط‌مشی		۱۳
۰.۷۷۸	دستورالعمل‌های اجرای برای خط‌مشی		۱۴
۰.۸۸۳	سیستم نظارتی مناسب		۱۵
۰.۷۷۰	منابع مالی		۱۶
۰.۸۰۶	سرمایه گذاری و پشتیبانی خط‌مشی	مالی	۱۷
۰.۷۵۴	ایزار اجرای نامناسب		۱۸
۰.۷۷۸	ثبات قوانین		۱۹
۰.۷۸۶	تعدد خط‌مشی در مورد موضوعی واحد	عوامل محیطی	۲۰
۰.۷۲۲	رویدادهای پیش بینی نشده		۲۱

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که مؤلفه های ارتقاء ظرفیت اجرای خط مشی های انرژی های تجدیدپذیر شامل ۶ مولفه عوامل محیطی، عوامل مالی، عوامل ساختاری، عوامل مدیریتی، مجریان خط مشی و تدوین خط مشی است که در مولفه تدوین خط مشی، شامل چهار شاخص است که اهداف خط مشی دارای بیشترین مقدار فازی زدایی برابر با ۰.۷۴۶ می باشد؛ در مولفه مجریان خط مشی، اعتماد سیاسی دارای بیشترین مقدار برابر با ۰.۷۸۶ می باشد؛ در مولفه مدیریتی، ارزیابی خط مشی در بازه های زمانی مناسب دارای بیشترین مقدار برابر با ۰.۷۸۶ می باشد. در مولفه ساختاری، سیستم نظارتی مناسب دارای بیشترین مقدار برابر با ۰.۸۸۳ می باشد. در مولفه مالی، سرمایه گذاری و پشتیبانی خط مشی دارای بیشترین مقدار برابر با ۰.۸۰۶ می باشد. در مولفه محیطی، تعدد خط مشی در مورد موضوعی واحد دارای بیشترین مقدار برابر با ۰.۷۸۶ می باشد.

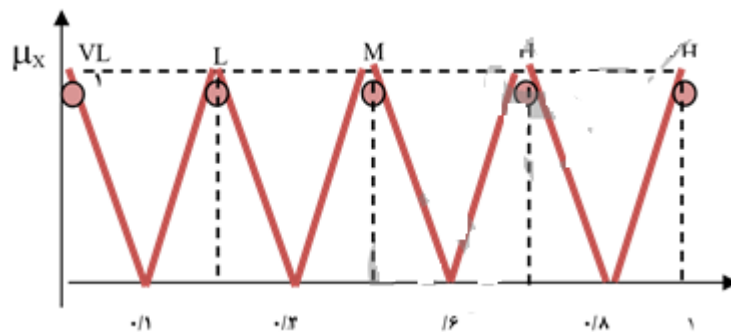
روش تحلیل حالات شکست

جمع آوری اطلاعات مرتبط با ریسک های اصلی پروژه

پس از شناسایی ریسک های موجود در پروژه، شاخص اهمیت نسبی هر یک از ریسک ها بر مبنای اوزان تخصیص داده شده به هر عامل یا ریسک محاسبه می گردد. در این پژوهش نیز با توجه به گستردگی مدل، جهت محاسبه تأثیر هر یک از ریسک های شناسایی شده بر اهداف اصلی پروژه (زمان، هزینه و کیفیت) روش FMEA در حالت فازی که یکی از روش های مبتنی بر مدیریت ریسک می باشد، استفاده شده است. در این مرحله با استفاده از پرسشنامه هایی که در بین عوامل درگیر در پروژه های نمونه و متخصصین امر توزیع گردیده است، احتمال وقوع و میزان تأثیر هر یک از ریسک های شناسایی شده در مرحله قبل بر روی اهداف اصلی پروژه یعنی زمان، هزینه و کیفیت بر اساس داده های کیفی، مورد محاسبه قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل کیفی ریسک ها تبدیل متغیرهای زبانی به متغیرهای فازی

اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نظرسنجی به عمل آمده از طریق توزیع پرسشنامه، شامل داده های کیفی می باشد که برای کمی نمودن آن ها از مجموعه های فازی استفاده گردیده است. در این پژوهش جهت کمی نمودن داده ها از نمودار تابع مثلثی چن وهوانگ (۱۹۹۲)، مطابق شکل ۲، استفاده شده است. جدول ۳، مقادیر متغیرهای فازی متناظر با متغیرهای زبانی (کلامی) مورد استفاده در این مقاله را نشان می دهد.



شکل ۱. نمودار تابع مثلثی جهت کمی نمودن داده ها

جدول ۳. متغیرهای فازی متناظر با متغیرهای زبانی

متغیرهای زبانی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
متغیرهای فازی	(۰,۰,۰/۱)	(۰/۱, ۰/۲, ۰/۳)	(۰/۳, ۰/۴۵, ۰/۶)	(۰/۶, ۰/۷, ۰/۸)	(۰/۸, ۱, ۰/۱)

انرژی از دیرباز به عنوان محرک جوامع بشری شناخته شده و با پیشرفت صنعت، اهمیت و تاثیرگذاری آن در زندگی افزایش یافته است. جهان امروزی با چالشهای بی سابقه ای در زمینه انرژی به لحاظ قیمت، آلاینده‌گی و امنیت تأمین روبرو شده است. اتخاذ خط‌مشی یک نقطه پایان فرایند خط‌مشی و یا راه حل قطعی یک مشکل اساسی نیست. بلکه، خط‌مشی‌ها به مرور زمان تکامل می‌یابند، یا از طریق تغییرات تدریجی یا از طریق تغییرات اساسی و بنیادی. از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر طراحی مدلی برای ارتقاء ظرفیت اجرای خط‌مشی‌های انرژی‌های تجدید پذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ است. نتایج پژوهش حاصل از روش دلفی فازی نشان می‌دهد پاسخ دهندگان در مجموع ۶ بعد برای ارتقاء ظرفیت اجرای خط‌مشی‌های انرژی‌های تجدید پذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و ۲۱ مولفه برای ارتقاء ظرفیت اجرای خط‌مشی‌های انرژی‌های تجدید پذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مطرح کردند که ابعاد ارتقاء ظرفیت اجرای خط‌مشی‌های انرژی‌های تجدید پذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ شامل تدوین خط‌مشی، مجریان خط‌مشی، عوامل مدیریتی، عوامل ساختاری، عوامل مالی و عوامل محیطی است و مولفه‌های تدوین خط‌مشی شامل شفاف بودن مفهوم خط‌مشی، روشن بودن مفهوم خط‌مشی، پویایی و انعطاف خط‌مشی، اهداف خط‌مشی، مجریان خط‌مشی شامل اعتماد سیاسی، رویه‌ها و توزیع عادلانه، وابستگی سیاسی و مشارکت، عوامل مدیریتی شامل تعهد و تجربه سازمان‌های مجری، ارزیابی خط‌مشی در بازه‌های زمانی مناسب، همراستا بودن برنامه‌های اجرایی دولت، عوامل ساختاری شامل ساختار سازمانی مناسب، زیرساخت‌های اجرایی خط‌مشی، دستورالعمل‌های اجرای خط‌مشی، سیستم نظارتی مناسب، عوامل مالی شامل منابع مالی، سرمایه‌گذاری و پشتیبانی در خط‌مشی، ابزار اجرای مناسب و عوامل محیطی شامل ثبات قوانین، تعدد خط‌مشی در مورد موضوعی واحد، رویدادهای پیش‌بینی نشده می‌باشد که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق دانش‌فرد (۱۳۹۳)، رنگریز و همکاران (۱۳۹۷)، ضرغامی بروجنی و مرتضی‌بذر افشان (۱۳۹۳)، چن سو جانگ (۲۰۰۶)، کوتیک (۲۰۱۳)، وان و همکاران (۲۰۱۷)، وانگ و اپ (۲۰۱۳)، کوستا باربوسا و همکاران (۲۰۱۶)، وو و همکاران (۲۰۱۷)، بلینچیگرو شاح (۲۰۱۱)، وو و همکاران (۲۰۱۷)، نوردتمو (۲۰۱۵) همسو است و همچنین نتایج پژوهش حاصل از بخش کمی نشان می‌دهد که تدوین خط‌مشی، مجریان خط‌مشی، عوامل مدیریتی، عوامل ساختاری، عوامل مالی و عوامل محیطی بر ارتقاء ظرفیت اجرای خط‌مشی‌های انرژی‌های تجدید پذیر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ تاثیر دارد. با توجه به نتایج تحقیق به مدیران وزارت نیرو پیشنهاد می‌شود با توجه به اهداف کلان اقتصادی مدنظر سند چشم‌انداز و جامعه ایرانی ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه و اهداف برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، این ابعاد در محورهای کلی شش‌گانه دسته‌بندی شوند: ۱. تولید و رفاه جامعه، ۲. شاخص‌های پولی و قیمت‌ها، ۳. بازار کار، اشتغال و بهره‌وری، ۴. عدالت، فقرزدایی و به دور از تبعیض و نابرابری، ۵. جهانی‌شدن اقتصاد، پیوندهای جهانی و تجارب خارجی، ۶. دولت و ساختار اقتصادی. پیشنهاد می‌گردد با ایجاد شبکه‌ها، گروه‌های ذی‌نفع و سازمان‌های اجرایی در خط‌مشی‌گذاری دخالت داده می‌شوند. به خاطر مشارکت سازمان‌های مربوطه، پذیرش اجتماعی یک خط‌مشی بیشتر می‌شود. پیشنهاد می‌گردد شکاف مشارکت کاهش یابد زیرا در نتیجه عدم توانایی در مشارکت دادن تعداد روز افزون فعالان غیر دولتی در فرایند خط‌مشی‌گذاری ایجاد می‌شود. پیشنهاد می‌گردد شبکه‌ها فعالان مختلفی را در فرایند خط‌مشی‌گذاری دخالت دهند و از این طریق مهارت‌ها و منابع مورد نیاز خود را که در

موفقیتشان حیاتی است، تامین کنند. دولت‌ها با درگیر شدن در شبکه‌ها می‌توانند هدف مهم جذب دانش تخصصی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری رابراورده کنند. پیشنهاد می‌گردد بر لزوم هماهنگی بین نهادهای مؤثر و همسو سازی خط‌مشی‌ها و همچنین "شبکه‌ای از اکوسیستم‌های منطقه‌ای کارآفرینی" و وجود یک دستگاه متولی جهت هماهنگ سازی تلاش‌ها برای بهبود نظام کارآفرینی و هماهنگی بین نهادهای مؤثر و همسو سازی خط‌مشی تاکید شود. پیشنهاد می‌گردد با گسترش شبکه‌های ارتباطی به کمک فناوری ارتباطات و اطلاعات، بدین ترتیب سلسله مراتب هماهنگ کننده و ناظر حذف شود و تحولی عظیم در سازمان دهی سازمان‌ها ایجاد شود، از جمله می‌توان به ایجاد سازمان‌های بدون کاغذ اشاره نمود. از آنجایی که ساختارهای سلسله مراتبی و بازار نمی‌توانند رهنمودهای مناسبی برای موفقیت سازمان در مسیر اهداف خود داشته باشند. پیشنهاد می‌شود مدیران وزارت نیرو برای تدوین خط‌مشی مفهوم خط‌مشی را شفاف و روشن بیان نمایند و در راستای اهداف خط‌مشی به مدیران وزارت نیرو پیشنهاد می‌شود پویایی و انعطاف خط‌مشی‌های تعیین شده رو بهبود بخشند. به مدیران وزارت نیرو پیشنهاد می‌شود اعتماد سیاسی مجریان خط‌مشی را افزایش دهند و مشارکت مجریان خط‌مشی در ارتقاء ظرفیت اجرای خط‌مشی بهبود دهند. به مدیران وزارت نیرو پیشنهاد می‌شود تعهد و تجربه سازمان‌های مجری را از طرق برنامه‌های مختلف آموزشی افزایش دهند و در بازه‌های زمانی مناسب خط‌مشی‌ها را در جهت همراستا بودن برنامه‌های اجرائی دولت ارزیابی نمایند. به مدیران وزارت نیرو پیشنهاد می‌شود زیر ساخت‌های اجرائی خط‌مشی، دستورالعمل‌های اجرای برای خط‌مشی، سیستم نظارتی مناسب را مورد بررسی قرار دهند و در راستای ارتقاء ظرفیت اجرای خط‌مشی بهبود نمایند به مدیران وزارت نیرو پیشنهاد می‌شود منابع مالی برای ارتقاء ظرفیت اجرای خط‌مشی را تامین نمایند و به مدیران وزارت نیرو پیشنهاد می‌شود ثبات در قوانین ایجاد نمایند و تعدد خط‌مشی در مورد موضوعی واحد را با توجه و ییاد‌های پیش‌بینی نشده در نظر بگیرند. از مهم‌ترین موانع و محدودیت‌های انجام این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: همکاری ضعیف برخی از متخصصان وزارت نیرو در مصاحبه‌ها و پاسخ به سؤالات پرسشنامه دلفی فازی و طولانی‌تر شدن زمان فعالیت و همچنین عدم وجود نگاه پژوهش‌محور و علمی آنها به موضوع مورد بررسی بود. کمبود و یا فقدان منابع علمی قابل دسترس و استفاده: منابع علمی بسیار کم و محدودی (حداقل به صورت فارسی) در این زمینه موجود است که به طور مستقیم به موضوع مورد مطالعه و تحقیق مربوط باشد. به همین دلیل نیازمند استفاده از منابع لاتین می‌باشم که خود مشکلات دیگری همچون محدودبودن زمان استفاده از اینترنت در دانشکده، برگردان درست متون لاتین به فارسی و یک دست کردن آنها را به همراه دارد. فقدان بودجه لازم برای انجام و پیشبرد کار: هر کار تحقیقی در مراحل مختلف خود نیازمند صرف هزینه‌های مالی است که مسلماً تحقیقات دانشجویی به دلیل شرایط خاص محقق از این موضوع مستثنی نیست.

- الوانی، سیدمهدی، شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۰)، فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ هشتم.
- حاجی پور، ابراهیم، فروزنده لطف اله، دانایی فرد، حسن، فانی، اصغر (۱۳۹۴)، طراحی الگو آسیب شناسی اجرای خط‌مشی عمومی در ایران، فصلنامه مدیریت نظامی، دوره پانزدهم، شماره ۵۸.
- حسین پور، داوود، فتاح شریف زاده، روح الله نوری، امید کریمیان (۱۳۹۷) " تدوین الگوی نظارت بر خط‌مشی‌های عمومی مصوب مجلس شورای اسلامی با تاکید بر حوزه امور اقتصادی "فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۹۴، تابستان ۱۳۹۷ صص ۳۶۹-۳۹۲
- دانایی فرد، حسن، شکری، زینب، منصور خیرگو، علی اصغر فانی (۱۳۹۷) " چگونگی ارزشیابی کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران: پژوهشی اکتشافی مبتنی بر روش شناسی ترکیبی " فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، سال ششم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۷ ص ۷۹
- دانایی فرد، حسن، جواد ولی اصل، سیدیعقوب حسینی (۱۳۹۶) " واکاوی ساز و کارهای دانشی بهبود کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران: پژوهش ترکیبی " فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶ صص ۲۹-۵۶
- رجائی، زهرا، دانش فرد، کرم اله، فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۶)، شکل‌گیری خط‌مشی در حوزه سلامت نظام اداری در ایران، سال دهم، شماره سی و هشتم.
- رنگریز، حسن، مهدی خیراندیش، سلیمه لطیفی جلیسه (۱۳۹۷) " بررسی موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی با استفاده از روش فراترکیب " فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷ صص ۱۲۳-۱۳۸
- صفری دشتکی، محمد، زارع، رضا، نیک بخش، محمد علی (۱۳۹۷)، تبیین عوامل ساختاری مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های خط‌مشی، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، ۱۰ (۱)، صص ۱۰۹-۱۳۶.
- عباسی. عباس، معتضدیان . رسول، میرزایی. محمدقاسم، (۱۳۹۵)، بررسی موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی، پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی سال ششم، ۵ شماره ۲، ۴۹-۶۹.
- غفاری، رحمان، مقیمی، محمد، پور عزت، علی اصغر، (۱۳۹۵) الگوی مناسب خط‌مشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی مبتنی بر آینده موعود، سال ۲۴، شماره ۲.
- گرچی پور، حسن، خاشعی، وحید، اسلامبولچی، علیرضا، اصغری صارم، علی (۱۳۹۸)، الگوی ارزشیابی فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی با رویکرد مطالعه کیفی اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت دولتی، ۱۱ (۱)، صص ۴۷-۷۲.
- گل وردی، مهدی، دانایی فرد، حسن، رحمتی، محمد حسین، باباشاهی، جبار (۱۳۹۷)، بررسی وجود بیگانگی مجریان از خط‌مشی‌های مالیاتی، دوره ۴، شماره ۱.

- Birkland, T. A. (۲۰۱۰). *An Introduction to the Policy Process Theories, Concepts, and Models of Public Policy Making*. New York: Routledge.
- Carpenter, D., & Moss, D.A. (۲۰۱۴). *Preventing Regulatory Capture: Special Interest Influence and How to Limit It*, Cambridge University Press, New York.
- Dye, T. (۲۰۱۳). *Understanding Public Policy* (۱۴th ed). Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Howlett, M. (۲۰۱۹). *Designing public policies: Principles and instruments*, Abingdon, Oxon ; New York, NY : Routledge, Taylor & Francis Group
- Innes, A. (۲۰۱۴). The Political Economy of State Capture in Central Europe. *Journal of Common Market Studies*, ۵۲(۱), ۸۸-۱۰۴.
- Kaufman, Roni (۲۰۱۷), *The Korean Government: Policies and Administration* ۱۹۴۸-۲۰۱۳, Korea Institute of Public Administration, Seoul.
- Park, Jin, (۲۰۱۸) "Korea's Government reform in public policy and management", *Asian Education and Development Studies*, Vol. ۷ Issue: ۳, pp. ۲۵۶-۲۶۰, <https://doi.org/10.1108/AEDS-11-2017-0117> Permanent link to this document: <https://doi.org/10.1108/AEDS-11-2017-0117>
- Smith, K. B, & Larimer, C. W. (۲۰۰۹). *The public policy theory primer*. Westview Press.
- Thomann, E. (۲۰۱۰). Is output performance all about the resources? A fuzzy-set qualitative comparative analysis of street-level bureaucrats in Switzerland. *Public Administration*, ۹۳ (۱), ۱۷۷-۱۹۴.
- Tummers, L. (۲۰۱۳). *Policy alienation and the power of professionals: Confronting new policies*. Edward Elgar Publishing.
- Van der Voet, J., Steijn, B., & Kuipers, B. S. (۲۰۱۷). What's in it for others? The relationship between prosocial motivation and commitment to change among youth care professionals. *Public Management Review*, ۱۹(۴), ۴۴۳-۴۶۲.
- Valentina. Ferretti, Pluchinotta Irene, Alexis Tsouki` as, Studying the generation of alternatives in public policy making processes, *European Journal of Operational Research* (۲۰۱۸), doi: <https://doi.org/10.1016/j.ejor.2018.07.054>.